

١- سمعت ملائكة تزورني في نومي
٢- سمعت يهودي يفتح دريمته زرني طرقه فرس
٣- سمعت امرأة رشيدة زرني بعدها سمعت تنهى قطع ابيه عمه دلاه لبسها سمعت
٤- طرقه فرس
٥- سمعت امرأة زرني بعدها سمعت تنهى قطع ابلىه ترميمه فرسه زرني كلامها ذوقته

۵ - عدم طلبی خواسته شده و پیش از مکان تطمیه و فایق نهاد و تقدیر می کاره از این
ایجادها . از اینها خوب است که ناسی و نفع ناگزینه همکار برگزت و بر حکومت خواهد بود که اینها را تبلیغ
۶ - قسم نهایی که آنچه می خواهیم درین فصل بخواند بروغیر غریب غریب خواسته نهایی نشید .
۷ - عدم محدودیت محدودیت خواسته نهایی را تراویح راهنمایی خواسته قصیده ره خواهد .
۸ - جزای فقهی اعماق منسوب شده از آنکه بوجویان او وحده ایشان را مایس ایندازند عمدت یا نیمس بوده
مشترک فواید پیشتری دزنه است لایه .

۱ - اسکنر قاروں پر مشتمل کونہ میں اور بتاٹاٹنگ طرفہ ناپرس .
 ۲ - چھپا : تابع طبوتو طارہ چکے بخشنہ ان اونچوں جزانہ کے اون دلکھ رائے طرفہ ورپرس .

[بخوبیه طیمه نهند]

- ۱۱ - شکت طرفه بر قاررو خلکی و قاربرده تقدیره علاوه ام اینه سی .
- ۱۲ - درگذشت با تما به سی او ریغه وقت محمد امیر اسلام خسرو امده می تقدیره و پرست اعده سی .
- ۱۳ - پاره طرفه از زرده داده تنظم صورته قبیل امیر لشنه توسته خسی .
- ۱۴ - آسمان رئیس سعادتله لکن بوندی خوده تنظیم نوزیمی .

۱۵ - عده وستاده میزد هر دنیو در بولناریک . راینک را بعین اوزرینه کهنه عالمه سخن خفت فرازه از نهاده
ساخته بیع زمانه قطعنی متفنده اجرا رازه خبر شرکت قویسرا کهنه باز نیامم آن راهه از کهنه حداوده
میگردید کهنه وظیفه ایدغه به شرکت طرفیه نیل اعشاره انتقام متفنده و میتواند . رقی نسوانه ایچویه کلک
کنوره مرید اعده داسمه و پریمیک نیز اجرا دیوند تظییفه رئیسی نسوان ایده ریکی تقدیرهه دریوف
عزی اعدهه ردره بپرهم راینک هم تو قله میاغه و حکمه سیلیک فدوکهه بی اولطفه بولند متفنده
بر سیم ایچویک انتقامیده کهنه فریبیده و اجرا رازه لک تینیاته نیوفیکا میرویک آنقدر ساخته بیع
و با تعلیک قطعنی صورتیه رئیلک سفلیا خهدنات قویی .

۱۷ - محمد نک نافعی اخندل اینه جل و شر تک نه نثار را فیضه نوافعه اور همچو مرک عمدہ خدمت
قدس ایلکم رمی روزا اول طاسن .

۷۷ - سخن‌چه بوج دع و با هسته اولی بقی زمانه قدم خفته ننم او راه است.

۱۸ - شیوه ایشانی نایاب است و مخالف این راه است که ترا اسوان سرگرمی می‌گذرد
و هفته پرمه ۱۲ میلادی تا بیانی آنچه از این داد و نهاد برای خدا کسر شده و درین
کوشیده می‌گذرد سوپرانو اینست. عینند مخصوصاً حاشیه خالق بخواه صد هزار زمانه
تبلیغ را فراز و بواهکار مخالف این راه و این آنکه توفر راه استیاب سرگرمی عربها، حقوق
و نور از خودی بولنده بخواهد، سو راسته نشینی اینه و اینست و ساده تر شب
و هفته می‌گذرد لذت افلال و احذا، ابده جمع بحث بوندانه بوقوع ایست خانه
بوعص مهیجه دوام و آن دندانه قاتمه باللغه فلسفه لا قیس قدر می‌گذرد ترا امیری
ترنی طرد ایله بود. قد اشوزه ترا از فلسفه از آنکه و فلسفه که نه این فلسفه
تایگه نه ترا از این شکر قدر تایگه نه. کجنه نست ایچوهر هیئت بوله درین
و ۱۷ میلادی تایگه صد عین بگذار پهلوی پر بندل ده بوندانه نایاب طوئی
۱۹ - بینی تیغه از این احیا نیفه ایچوهر می‌گذرد می‌گذرد نشنه و بعده دیده والد بیه
و درنه شف ریس نه طافه را از ایلانه بیانند ایشانه ایشانه ایشانه ایشانه
۲۰ - ۱۸ شیوه ایشانه نایاب است و مخالف ایشانه ایشانه ایشانه ایشانه ایشانه
حکمه تیغه ایشانه

۲۱ - عینند همتوه و میانش مادانه ایشانه ایشانه ایشانه ایشانه ایشانه ایشانه ایشانه
می‌گذرد نه می‌گذرد بوندانه: عینه می‌گذرد بوندانه ایشانه ایشانه ایشانه
طغیه ایشانه ایشانه ۲۲ شیوه ایشانه تایگه می‌گذرد نه اگر اینه و من فیضه
۲۳ - نیکلر ایشانه سینه و پر لد ایشانه نیکلر ده دوام سینه بوندانه عکه بیلی ایشانه
نمایند نیزه

۲۴ - پیر حیلیت و محکم، هیفت کوچه ایشانه ایشانه
۲۵ - هفت بیه ایشانه بوندانه کوچه صوکنی کوچه نه. عکس ایشانه ایشانه
۲۶ - عین عینه قیشد که نایاب بوندانه نه ایشانه
۲۷ - ترکه ۱۸ شیوه ایشانه است و مخالف ایشانه ایشانه ایشانه ایشانه
من بوندانه و حله ایشانه و عینه و هفته و نیزه ایشانه سینه بیگن. ایشانه ایشانه
مالک ایشانه ایشانه بیلی ساده لرده دولاپی ترکه عکه بیا-بیه هم راحمه بیه نیزه
۲۸ - یا برای شنیدن ایشانه

۲۹ - ایلات را رو آنست فتنی ایچوهر فرده و حکمه ایشانه که الاه الایه ایشانه ایشانه ایشانه
که بینی عده نه تن افندی بیانند نیزه زده عفنی ادنو تکه دات نه تن که زخم نه دارد زند

شِرْقِ سَهْلِيْنَ اسْكُنْدَرِي

مکالمہ

مُصْنُون
مُصْنَع

**PARTI SOCIALISTE
DE TURQUIE
SIEGE CENTRAL**

Téléphone
Numéro

60

- ۲ - اونتوبن دیا قایم نهاد کس و ب کام پیشیل بجهوره شرکخ نه اینجا زاده هفت

- ۱۶ - بیک طفوت یوز بدر بر سرمه اندسته اینها را سوق نظریه توسعه اورده بر تفاوته و اینها طصدی یعنی ناشی از میان

- ۱۵ - هدست انسانی و فوکسیون لفظ از راه فارسی بیرون رفته می‌شود که این اینها می‌توانند قدرت انتشار این اصطلاح را بسیار زیاد نمایند.

وتفاهمه صندوق سلسی اید بر لایه های سفید - بولند -

مختصر پروردگاری این طنجه بولنده به محمد هفت بیج اجری فیضهات دستی کتاب سایه هدایت

صاحب رأى ايك محمد رفعت رافع بوله هضي رجعسو به طریق امطا ایده هاد و سوس برس داشت
اسمه استاد دین درستار الدات سیر و با طریق تخریج مخصوص دیکشان - یادی الله بوله هض

مخصوص اینی رهض بوله هفدهم . ایسو سیاپ می سوچه هاده سی پنجه
و ایله زانه هالسه و بیک بوله نعی طردنه هاکم بیموله اوله هفدهم

وَالْمُلْكُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِهِ فَهُوَ مُفْلِحٌ وَمَنْ يَكْفُرْ فَأُولٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

- ۱۸ - راهنمایی و تحقیقی از این مجموعه

۱۰۷- عَمَدْ بِكَلْمَنْسُونَ هَذَا حَدَّيْ نُوكَرْ صَرْفَ بَعْدَ حَفْدَهْ تَوْبَرْ فَهَذَا الْمَذَبَحَيْهِ مَسَى بُوزَ ۲۰ بَهْبَهْ بُورْ دَهْ لَيْهَهْ

شیخ بودت اجره ایش بگیرد .

۱۰ - شنیده می خواهیم که داد و ستد این نظریه به همه فضایی ها می بوده است

بی به به کو رسه دزم ری بکه عطا دزه
ان به خواه بس اسکار عمه رکنی هر قله ایمه دلو که کوچه بول آپنه —

۱- بُوْ مَدْرَقَاتِهِ مَدْ بِالْأَسْنَهِ مَضْرُوعٌ بَعْدٌ أَوْ لَا يَعْلَمُ حَالَهُ فَدَرَ رَسَابَتْهُ مَهْدَى
۲- تَحْمِيَةً لِلْأَعْنَاءِ أَوْ مَرْفَفَةً لِلْأَنْفِ وَنَزْعَهُ طَرْقِبَهُ وَلِيَهُ كَهْ

۷. کاله نام ۱۹۸۱ را داشت بلباو - اسپانیا - هفدهم برگزار شد و در آن
نهاد بین‌المللی برگزینی ناکام نداشت.

الله وَلِرَبِّ الْعَالَمِينَ

۲۸ - بکیر حدیث به عده - هفت کوئن ۷۰۱ اعشار
۲۹ - هفت بیمه زنگ بخوبی که تو نمایه صورتی کنید - بخوارها ۱۵۰
۳۰ - عصی عده - قشید شهادت بث بون ته تهد - اعشار
۳۱ - ترکه ۲۰ بساط ۴۴۷ تا ۴۶۷ ایشاد فناد مدادنیه بمعنیه ترکیانه تجهیز
بی بوندیک در حمله ایلک و عربها و همچوئی وزیری آیند نه بسیار احمد بی
حاج ایض ایمه بعله ساده دودمانیه دولاپی ترکه عده پا - بته هفت راحمه بعنه نیز
۳۲ - یک برا شفیعت ایلکی
۳۳ - زلات را در آنست فتحی ایلکی خود را خصوصیه ایله ایله ایله ایله ایله ایله ایله
ایله بی بعله مهتره ایلکند جواند بیکه علیه اوتون کنید و ایلکند کنید زنده زنده زنده زنده زنده زنده
ایله
و ایلکیات خلیج ایله غرق ایلکن بوندیه بوندیه بوندیه بوندیه بوندیه بوندیه بوندیه
۳۴ - عده دسته های ایلکند شاه ایله زوجه و صاحب زوجه بید - دوان زنگ هفت لغذی همان